

تشبیه چهار رکن دارد: مشبه، مشبه به، وجه شبه و ادات تشبیه. مشبه و مشبه به طرفین تشبیه هستند و نمی توان آن ها را حذف کرد؛ برخلاف وجه شبه و ادات تشبیه که می توان یکی از آن ها یا هر دو را در کلام نیاورد.

در کتب بیان فارسی و عربی تشبیهی را که وجه شبه و ادات تشبیه آن محذوف باشد تشبیه بلیغ نامیده اند (رک: شمیسا، بیان، ص ۱۱۰؛ کزازی، بیان، ص ۷۳؛ هاشمی، جواهرالبلاغه، ص ۲۷۰؛ غلایینی، علوم البلاغه، ص ۸۴-۸۳).

از سوی دیگر در کتب بیان، ذیل تشبیه بلیغ، از اضافه ی تشبیهی سخن گفته اند (ثروتیان، بیان در شعر فارسی، ص ۵۶؛ غلایینی، علوم البلاغه، ص ۸۴).

سیروس شمیسا گفته است: «اضافه ی تشبیهی، تشبیهی است که در آن مشبه و مشبه به به هم اضافه شده باشند و در این صورت ادات تشبیه و وجه شبه محذوف است... به این گونه تشبیه در علم بیان تشبیه بلیغ می گویند» (شمیسا، بیان، ص ۱۱۰). میرجلال الدین کزازی هم گفته است: «تشبیه رسا (بلیغ) تشبیهی است که مانروی

برخی هم نیستند. بدان سان که میان تشبیه بلیغ و اضافه ی تشبیهی نسبت عموم و خصوص من وجه برقرار باشد.

به نظر می رسد در کتب بیان راجع به این موضوع تأمل و درنگ کافی نشده است؛ چه، به گونه ای از اضافه ی تشبیهی سخن گفته اند که گویی تردیدی در بلیغ بودن آن تشبیهات و محذوف بودن وجه شبه و ادات تشبیه آن نداشته اند.

در یکی از کتب بیان آمده است: «اضافه ی تشبیهی را به اعتبار حذف وجه شبه و ادات تشبیه، می توان جزو تشبیهات

# آیا اضافه ی تشبیهی همیشه تشبیه بلیغ است؟

بلیغ به شمار آورد...: فراش باد صبارا گفته تا فرش زمردین بگسترده و دایه ی ابر بهاری را...» (ثروتیان، بیان در شعر فارسی، ص ۵۶).

مثالی که در کتاب اخیر برای اضافه ی تشبیهی و تشبیه بلیغ آورده شده جملاتی است از مقدمه ی گلستان سعدی. همین جمله ها در کتاب «آرایه های ادبی» سال سوم متوسطه (ص ۳۴) نیز برای خودآزمایی درس تشبیه بلیغ و اضافه ی تشبیهی نقل شده است. به زعم مؤلفان آن کتب، ترکیب های «فراش باد» و «دایه ی ابر» تشبیه بلیغ و اضافه ی تشبیهی اند. اما آیا واقعاً همین گونه است و وجه شبه و ادات تشبیه در این ترکیب ها محذوف است؟

برای پاسخ به این پرسش ها بهتر است منظور از وجه شبه را روشن کنیم. در

(وجه شبه) و مانواژ (ادات تشبیه) هیچ یک در آن آورده نشده باشند... گاه تشبیه رسا در آمیغی برافزوده (ترکیب اضافی) به کار برده می شود؛ بدان سان که یکی از دو سوی تشبیه به دیگری برافزوده می گردد. این آمیغ همان است که در دستور زبان آن را «اضافه ی تشبیهی» می خوانند (کزازی، بیان، ص ۷۳).

بدیهی است، تشبیه بلیغ همیشه به صورت ترکیب اضافی نیست؛ بلکه می تواند به صورت غیراضافی و اسنادی نیز به کار رود (شمیسا، بیان، ص ۱۱۰).

اما پرسش ما این است که آیا همه ی اضافه های تشبیهی، تشبیه بلیغ اند؟ یا فقط برخی اضافه های تشبیهی تشبیه بلیغ هستند و برخی هم بلیغ نیستند؛ هم چنان که برخی تشبیه های بلیغ، اضافه ی تشبیهی هستند و

## چکیده

نویسندگان در این مقاله تلاش دارند، با آوردن نمونه های متعدد، ثابت کنند که همه ی اضافه های تشبیهی تشبیه بلیغ نیستند بلکه فقط برخی از آن ها بلیغ اند و برخی دیگر نیستند.

## کلیدواژه ها

اضافه تشبیهی، ترکیب اضافی، تشبیه بلیغ، وجه شبه، ادات تشبیه

دکتر قاسم صحرازی و دکتر علی میدری  
استاد یاران دانشگاه لرستان

تعریف وجه شبه گفته‌اند: «وجه شبه، شباهت بین مشبه و مشبه‌به است» (شمیسا، بیان، ص ۹۵)؛ «مانروی (وجه شبه) پیوندی است که ماننده را به مانسته می‌پیوندد». (کزازی، بیان، ص ۴۰)؛ «وجه شبه، معنا و خصوصیتی است که اشتراک طرفین در آن مورد نظر باشد، خواه این اشتراک امری حقیقی باشد و خواه تخیلی» (شفیعی کدکنی، صور خیال در شعر فارسی، ص ۶۶).

در نمونه‌ای که نقل شد، ترکیب «فراش باد» اضافه‌ی تشبیه‌ی است؛ فراش که مشبه‌به

پس برخلاف نظر برخی شارحان گلستان (هم چون محمد خزائلی و حسن انوری) ترکیبات فراش باد و دایه‌ی ابر در جملات آغازین گلستان تشبیه بلیغ نیستند. باید اضافه کرد فقط در تشبیه بلیغ نیست که مشبه و مشبه‌به می‌توانند به صورت مضاف و مضاف‌الیه به کار روند و ترکیب اضافی بسازند، بلکه در تشبیه غیر بلیغ هم این اتفاق می‌تواند بیفتد. بنابراین اضافه‌ی تشبیه‌ی همیشه تشبیه بلیغ نیست.

برای روشن شدن موضوع می‌توان به نمونه‌های ذیل، که در همه‌ی آن‌ها مشبه و

ترکیب «آخر سنگین روزگار» اضافه‌ی تشبیه‌ی است و سنگین وجه شبه است. سنگین در نسبت با آخر در معنی «از جنس سنگ» و در نسبت با روزگار به معنی «جای بی‌آب و علف و خشک» است.

مریم بکر معانی را منم روح القدس عالم ذکر معالی را منم فرمانروا

(خاقانی، ص ۱۷)

ترکیب «مریم بکر معانی» اضافه‌ی تشبیه‌ی است. معانی در بکر بودن به مریم تشبیه شده است.

چون فلاطون خم نشین شراب سر حکمت به ما که گوید باز

(حافظ، ص ۲۳۳)

شراب در خم نشینی به افلاطون تشبیه شده است.

مزرع سبز فلک دیدم و داس مه نو  
یادم از کشته‌ی خویش آمد و هنگام درو

(حافظ، ص ۳۱۶)

فلک در سبز بودن به مزرع تشبیه است.

بیا که ترک فلک خوان روزه غارت کرد  
هلال عید به دور قدح اشارت کرد

(حافظ، ص ۱۶۳)

فلک در غارتگری به ترک تشبیه شده است.

گنج عزلت که طلسمات عجایب دارد  
فتح آن در نظر رحمت درویشان است

(حافظ، ص ۱۲۰)

عزلت در داشتن طلسمات عجایب به گنج تشبیه شده است.

گنج عشق خود نهادی در دل ویران ما  
سایه‌ی دولت بر این گنج خراب انداختی

(حافظ، ص ۳۲۱)

در ویرانه بودن وجه شبه عشق و گنج است.

تا گنج غمت در دل ویرانه مقیم است  
همواره مرا کوی خرابات مقام است

(حافظ، ص ۱۱۸)

است به باد که مشبه است اضافه شده است. آیا «فرش بگسترده» وجه شبه این تشبیه نیست؟ به تعبیر دیگر آیا «گسترانده‌ی فرش بودن» معنایی نیست که باد و فراش در آن اشتراک دارند؟ در ترکیب «دایه‌ی ابر» هم «پیرورد» (پروراندۀ بودن) وجه شبه است.

مشبه‌به به صورت مضاف و مضاف‌الیه (اضافه‌ی تشبیه‌ی) به کار رفته‌اند، توجه کرد ولی وجه شبه نیز در کلام وجود دارد: رخس تو را بر آخر سنگین روزگار  
برگ گیاه و خر تو عنبرین چرا

(خاقانی، ص ۱۵)



مقیم بودن در ویرانه وجه شبه غم و گنج است.

صافی است جام خاطر در دور آصف عهد قم فاسقنی رحیقاً اصفی من الزلال

(حافظ، ص ۳۵۰)

خاطر در صافی بودن به جام تشبیه شده است.

هم گلستان خیالم ز تو پرنقش و نگار

هم مشام دلم از زلف سمن سای تو خوش

(حافظ، ص ۲۴۶)

خیال در پرنقش و نگار بودن به گلستان تشبیه شده است.

گر باد فتنه هر دو جهان را به هم زند

ما و چراغ چشم و ره انتظار دوست

(حافظ، ص ۱۲۵)

«هر دو جهان را به هم زند» وجه شبه فتنه و باد است.

شوخی مکن که مرغ دل بی قرار من

سودای دام عاشقی از سر به در نکرد

(حافظ، ص ۱۶۸)

دل در بقراری به مرغ تشبیه شده است.

مرا از اختر دانش چه حاصل

که من تاریکم او رخشنده اجزا

(خاقانی، ص ۲۴)

دانش در رخشنده اجزا بودن به اختر تشبیه شده است.

برکش ای مرغ سحر نغمه‌ی داودی باز

که سلیمان گل از باد هوا باز آمد

(حافظ، ص ۱۸۸)

گل در «باز آمدن از باد هوا» به سلیمان تشبیه شده است.

مهره کش رشته‌ی یکتای عقل

روشنی دیده‌ی یبنای عقل

(نظامی، مخزن الاسرار، ص ۳)

عقل در یکتا بودن به رشته تشبیه شده است.

تا به حمل تخت ثریا زده

لشکر گل خیمه به صحرا زده

(نظامی، مخزن الاسرار، ص ۱۶)

گل در «خیمه به صحرا زدن» به لشکر تشبیه شده است.

### نتیجه:

با توجه به شواهدی که نقل کردیم، به این نتیجه رسیده‌ایم که همه‌ی اضافه‌های تشبیه‌ی، تشبیه بلیغ نیستند، بلکه فقط برخی اضافه‌های تشبیه‌ی تشبیه بلیغ‌اند؛ هم چنان که برخی تشبیه‌های بلیغ، اضافه‌ی تشبیه‌ی هستند و برخی هم نیستند. بدان سان که میان تشبیه بلیغ و اضافه‌ی تشبیه‌ی نسبت عموم و خصوص من وجه برقرار است.

به بیان دیگر، فقط در تشبیه بلیغ نیست که مشبه و مشبه‌به می‌توانند به صورت مضاف و مضاف‌الیه به کار روند و ترکیب اضافی بسازند، بلکه در تشبیه غیر بلیغ هم این اتفاق می‌تواند بیفتد. بنابراین اضافه‌ی تشبیه‌ی همیشه تشبیه بلیغ نیست.

### منابع و مأخذ

۱. انوری، حسن، گزیده‌ی گلستان سعدی، مرکز چاپ و انتشارات دانشگاه پیام‌نور، چاپ هفتم، ۱۳۷۷
۲. ثروتیان، بهروز، بیان در شعر فارسی، انتشارات برگ، چاپ اول، ۱۳۶۹
۳. حافظ شیرازی، دیوان، به تصحیح محمد قزوینی و قاسم غنی، به کوشش عبدالکریم جریزه‌دار، انتشارات اساطیر، چاپ پنجم، ۱۳۷۴
۴. خاقانی شروانی: دیوان، تصحیح و تعلیقات ضیاء‌الدین سجادی، انتشارات زوار، چاپ سوم، ۱۳۶۸
۵. خزائلی، محمد، شرح گلستان سعدی، انتشارات جاویدان، چاپ هشتم، ۱۳۶۸
۶. شفیع کدکنی، محمدرضا، صور خیال در شعر فارسی، انتشارات آگاه، چاپ چهارم، ۱۳۷۰
۷. شمیسا، سیروس: بیان، انتشارات فردوس، چاپ اول، ۱۳۷۰
۸. غلابینی، مصطفی، علوم البلاغه، مرکز نشر فرهنگی رجا، چاپ سوم، ۱۳۶۹
۹. فرشیدورد، خسرو، در گلستان خیال حافظ، انتشارات بنیاد نیکوکاری نوریانی، چاپ اول، ۲۵۳۷
۱۰. نظامی گنجوی، مخزن الاسرار، تصحیح وحید دستگردی، به کوشش سعید حمیدیان، نشر قطره، چاپ سوم، ۱۳۷۸
۱۱. هادی، روح‌الله، آرایه‌های ادبی سال سوم نظام جدید آموزش متوسطه؛ شرکت چاپ و نشر کتاب‌های درسی ایران، ۱۳۷۹
۱۲. هاشمی، احمد، جواهر البلاغه فی المعانی و البیان و البدیع، مرکز النشر التابع لمکتب الاعلام الاسلامی، طبع السادسه ۱۴۱۷ ق/ ۱۳۷۵ ش.